

فاطمه خاتون وزیر اعظم امپراتوری مغول در چین

مریم صحافی^۱

چکیده

زمانی که ایران در عصر مغول مورد تهاجم چنگیزخان قرار گرفته بود صلوات مادی و معنوی بسیاری به ایرانیان وارد شد، در این میان دختری سادات از تبار خراسان به نام فاطمه خاتون به اسارت مغول گرفته شد. این بانو که پس از چندی در دربار مغول نفوذ پیدا کرد و به سمت وزیراعظم رسید اقدامات بسیار مؤثری را در جهت حمایت از بزرگان ایرانی به آن جام رسانید. سوال اصلی این پژوهش این است که نقش فاطمه خاتون در جریان گسترش اسلام در چین به چه صورت بوده است؟ این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی علاوه بر معرفی شخصیت فاطمه خاتون به تحلیل شیوه‌ها اتخاذی وی در گسترش اسلام و شیوه‌های مبارزاتی ایشان در برخورد با مخالفین شان پرداخته است و در آخر این نکته را بیان می‌کند که اسلام نه با زور و شمشیر بلکه با شیوه‌های فرهنگی و تبلیغی در چین گسترش یافته است و تا حدی مؤثر بوده است که تا این زمان ما شاهد وجود تعداد کثیری از مسلمانان در سرزمین چین هستیم.

کلیدواژه‌ها: فاطمه خاتون، توراکیبا خاتون، اسلام، چین، مغول، ایران.

۱. دانش پژوه سطح دو - حوزه علمیه قم.

مقدمه

زمانی که چنگیزخان^۱ کارزارهای نظامی خود را در مغولستان به پایان رسانید، آغاز یک دوره خونین در کشورهای آسیایی در حال رخ دادن بود.^۲

چنگیزخان که توانسته بود چین را به تصرف خود درآورد، لشگریانش را به امپراتوری ایران نزدیک کرد و پس از عهد عقد نامه‌ای بازرگانان خود را به شهر مرزی اترار رسانید ولی حاکم شهر آن‌ها را به اتهام جاسوسی پس از غارت به قتل رسانید. این‌جا بود که چنگیزخان اولین حمله خود را به سمت شهرهای سمرقند و بخارا آن‌جا داد و تعداد بسیاری از ولایت‌ها را با خاک یکسان کرد.^۳

مقارن با شروع قرن هفتم داماد و فرزند چنگیزخان مأمور تصرف شهرهای خراسان شدند. در مرحله اول سپاه طغاجار داماد چنگیزخان را با ۱۰ هزار نفر در اواسط ماه رمضان سال ۶۱۷ هـ به نیشابور فرستاد که مردم به مقاومت برخاستند و آخر در میان جنگ تیری به طغاجار رسید و او را از پای درآورد.^۴ پس از کشته شدن او سپاهیان به دو قسمت شدند دسته‌ای به طرف سبزوار رفتند و بعد از سه شبانه روز این شهر را تصرف کردند و کلیه سکنه را که ۷۰ هزار نفر بودند بهتل رسانیدند.^۵

تولی‌خان پس از پایان کار مرو برای تصرف شهر نیشابور آماده شد سپاهی فراوان همراه خود آورد. مردم نیشابور سه روز به شدت مقاومت کردند و در روز چهارم شهر به دست مغولان افتاد. تولی همه مردم را به صحرا برد و به کینه قتل طغاجار کلیه سکنه را به جز ۴۰۰ نفر از بزرگان و صنعتگران بهتل رسانید و چنان دست به تخریب شهر زدند که برای کشاورزی آماده گردید.^۶

مورخان ایرانی و عرب چنگیزخان را شخص بسیار بی‌رحم، خشن و خونخوار توصیف کرده‌اند اما اجل به او فرصت نداد و از دنیا رفت.

با درگذشت چنگیزخان امپراتوری وسیعی را که او از شرق چین تا غرب آسیا و شرق اروپا پایه گذاشته بود از میان نرفت و بر عکس این سلسله به دوام خود بعد از وفات چنگیزخان ادامه داد.

1. Genghis.

2. De Nicola, Bruno, women in mongul Iran, p. 1.

۳. اقبال آشتیانی. (۱۳۶۴). تاریخ مغول، ص ۲۵.

۴. جوینی، عطا مک ابن محمد، تاریخ جهانگشای، ج ۱، ص ۲۲۷.

۵. همان، ص ۲۲۸.

۶. الهمروی، سیف ابن محمد بن یعقوب، تاریخ‌نامه هرات، ذکر ۵، ص ۱۰۰.

اوگتا قاآن^۱ دومین پادشاه مغول در ۶۲۱ هـ به وصیت پدرش امپراتور مغول شد.^۲ اوگتا قاآن جانشین برگزیده‌ی چنگیزخان، زیرک و هوشیار بود و در عین حال طبعی سازگار داشت ولی آن‌چه در زندگی این پادشاه قابل تأمل است توجه او به اسلام است: «دین اسلام را بر سایر ادیان مرجع می‌داشت»^۳ وی مسلمانان را نسبت به دیگر اقوام ترجیح می‌داد که بر این اساس مهم‌ترین و با فرهنگ‌ترین اتباع امپراتوری مغول را ایرانیان یا بهول تاریخ نامه هرات «تاجیکان» تشکیل می‌دادند.^۴ سرآن‌جام زمانی که هنوز جنگ‌ها در ایران در مراحل اولیه بود ایرانیان به قلب حکومت دشمن راه یافتند. آنان امپراتور شمن یا شاید بودایی را وادار کرده بودند تا مه‌ری برای خود انتخاب کند که نام پیامبر اسلام ﷺ بر بالای آن حک شده، برفراز فرمان‌ها زده شود^۵ و آن‌گونه که روایت شده است درباریان معتقد بودند که بدون ایرانیان چرخ عظیم امپراتوری گردش صحیح و سریع نخواهد یافت و نظر خود را آن‌گونه نسبت به اسلام مساعد کرده بودند که: «بعضی از ثقات چنین گفتند که آن جنس الطاف و اکرام دلیل آن بود که اکتای در سر مسلمان شده بود. و الله اعلم»^۶ بعد از اوگتا قاآن، توراکینا خاتون^۷ تا زمان انتخاب جانشین بعدی به نائب السلطنگی رسید. توراکینا خاتون، دومین همسر اوگتا و نایب السلطنه‌ی او از سال های ۶۳۹ تا ۶۴۳ هـ بود. برای انتخاب جانشین اوگتای درباریان چند گروه شده بودند و هرکدام فردی غیر از توراکینا را مناسب این منصب می‌دانستند ولی با دخالت‌های توراکینا خاتون تصمیم به برگزاری مجلس قوریلتایی^۸ (شورای مغولی) از بزرگان مغول برای انتخاب جانشین اوگتای گرفته شد. از این رو، بنا بر رسم مغول تا تعیین تکلیف بنا بر مجلس «قوریلتای» همسر اصلی اکتای، توراکینا خاتون زمام امور را به دست گرفت.^۹

1. Ögedei.

۲. حسینی خاتون‌آبادی، عبدالحسین، وقایع السنین و الاعوام، ص ۳۴۴.

۳. حسینی خواندمیر، (۱۳۳۳). حبیب السیر فی الخبر افراد بشر، ج ۳، ص ۴۸.

۴. همان.

۵. تاریخ جهانگشای؛ ج ۱، ص ۱۶۵.

۶. طبقات ناصری؛ ج ۲، ص ۱۵۶.

7. Töregene Khatun.

8. Kurultai

۹. رشیدالدین فضل‌الله؛ محمد بن علی شبانکاره‌ای، مجمع‌الانساب، ج ۱، ص ۷۳۴، ج ۲، ص ۷۹۴ چاپ میرهاشم محدث، تهران ۱۳۶۳ ش؛ به نقل از توراکینا خاتون، دانشنامه جهان اسلام.

دوره سلطنت توراکینا به عنوان یک دوره مهم در تاریخ امپراتوری دیده نشده و عموماً توسط مورخان نادیده گرفته می‌شود. با این حال خاتون با مهارت خود در هنر دیپلماسی موفق شد موقعیت خود را برای پنج سال حفظ کند. وزیر اعظم ایشان شخصی به نام فاطمه‌خاتون بود که با نفوذ در دستگاه امپراتوری مغول توانست ضمن ایفا نقش مؤثری در گسترش اسلام در شرق آسیا خدمات چشم‌گیری به مسلمانان و تمامی جوامع زخم دیده از وحشی‌گری‌های مغولی بنماید.

سعی داریم در این مقاله این را بیان کنیم که گرچه اعراب توانستند با شمشیر سرزمین‌های گسترده‌ای را تصرف کنند ولی در گرایش مردم دنیا به دین اسلام ناکام بودند. اما این سادات ایرانی و محبین اهل بیت علیهم‌السلام بودند که توانستند با فعالیت‌های دامنه‌دار فرهنگی و اجتماعی قلب‌ها را تصرف نمایند و باعث نفوذ و گسترش اسلام شوند. هم‌چنین مسئله این تحقیق یکی از افراد تأثیرگذار و ماندگار در تاریخ شخصی به نام «فاطمه‌خاتون طوسی» است که نقش بسیار مهمی را در آن برهه از تاریخ جهان ایفا نمود.

این تحقیق می‌تواند یک قهرمان بین‌المللی موفق مسلمان و ایرانی را به نسل جوان امروز ما معرفی نماید و غرور دینی و ملی‌شان را تقویت نماید و در راستای تحکیم هویتشان مؤثر باشد و هم‌چنین با پررنگ کردن سابقه حضور تأثیرگذار ایرانیان و شیعیان حافظه تاریخی مردم آن منطقه را بازآوری کند و نقش مؤثری در تلطیف عواطف ایشان به سادات ایرانی و تشیع ایفا نماید و در تقویت جایگاه شیعیان چین مؤثر باشد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی سعی دارد تا به معرفی این شخصیت پرنفوذ تاریخ مغولستان بپردازد و تأثیراتی که این شخصیت مسلمان از خود به جای گذاشته را به صورت تحلیلی بیان کند.

نکته قابل توجه این است که مورخین کمتر به بازنویسی سرگذشت فاطمه‌خاتون پرداختند و تنها می‌توان در **تاریخ جهانگشای جوینی** اشاراتی مختصر به این شخصیت مهم را یافت. اگرچه در برخی از تحقیقات مانند «ورود زنان عالم و سخنور به دربار حکومت‌های ترک» نوشته جواد عباسی، «سرگذشت فاطمه‌خاتون» نوشته بهمن شهریاری، «بازخوانی تاریخ عملکرد بانوان در امور کشورداری» نوشته غلامرضا گلی زواره و «in mongol Iran the Khatuns» نوشته دنی کولا به معرفی کوتاه از این شخصیت و نهایتاً بررسی چگونگی ورود به دربار مغول مطالبی را نوشته‌اند ولی در این مقاله سعی شده علاوه بر معرفی جامع‌تر از این شخصیت به

اقدامات مؤثر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به طور مبسوط پرداخته و تأثیرات فاطمه خاتون در گسترش اسلام و مسلمانان را نیز در قالب جامع‌تری بیان کرده است بر این اساس این تحقیق بنا دارد برای اولین بار نقاب از چهره این بانوی مسلمان بردارد و به نکات دقیق‌تری از این شخصیت بپردازد.

سرگذشت فاطمه خاتون طوسی

یکی از بانوانی که با تدبیر و فراست خاصی به دربار توراکینا خاتون راه یافت و نزد او نفوذ فراوانی به دست آورد و محرم اسرار اندرونش گردید فاطمه خانم طوسی بود. توراکینا علاقه و اعتماد بسیار بالایی به این کنیز ایرانی داشت و عملاً عمده اختیارات مملکت پهناور مغول را به وی سپرده بود^۱ می‌توان گفت فاطمه خاتون به عنوان اولین مسلمانان از مذهب شیعه در حکومت مغول با حمایت‌هایی که از بزرگان مسلمان به خصوص شیعیان خراسان می‌کرد باعث شد حتی تا سال‌ها بعد از وی هم چنان شیعیان در حکومت مغول دارای جایگاه و قدرت بالایی در برابر مغول‌های عیسوی مذهب داشته باشند.^۲

جریان به اسارت گرفتن فاطمه خاتون

زمانی که لشکر چنگیزخان دروازه‌های خراسان را گشودند به سرعت راهی نیشابور و مشهد شدند و پس از کشتار بزرگی که در نیشابور راه انداختند دروازه‌های طوس را نیز گشودند، نخستین حملات مغولان با چنان شدت و حدتی برخوردار بود که بهترین سرنوشت ممکن برای یک فرد اسارت یا آوارگی بود. مغولان در خراسان زنان زیبا و مردان برومند را برای اسارت با خود می‌بردند. یکی از دخترانی که در چنگال بی‌رحم چنگیزیان گرفتار آمد دختری زیبا و شایسته به نام فاطمه خاتون بود.^۳

تبار فاطمه خاتون

او از تبار علویان خراسان بود.^۴ فاطمه خاتون که شخصیتی بسیار جذاب داشت و از خاندانی بزرگ و متنفذ بود و تبار خود را به سادات می‌رسانید «از سلاله سادات

۱. جویی، عطا مک ابن محمد، تاریخ جهانگشای، ج ۱؛ ص ۲۷۸.

۲. گلی زواره، غلامرضا. بازخوانی تاریخ عملکرد بانوان در امور کشورداری، ۱۳۸۶.

۳. جویی، عطا مک ابن محمد، تاریخ جهانگشای، ج ۱، ص ۲۷۹.

4. Henry H. Howorth, F.S.A. history of the mongols. part III.p.59.

کبار است...»^۱ در هنگام فتح توس و مشهد الرضا علیه السلام توسط مغولان از جمله اسرایی بود که به قراقروم فرستاده شدند.^۲

قبل از حمله مغول تحولات محسوسی در قشرهای مختلف ایران به چشم می‌خورد، از جمله مسئله سادات که در میان ایرانیان به سبب انتصاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و ذریه ایشان از اهمیت بالایی برخوردار بود. در این میان سادات توانستند هویت و تشکل تاریخی خود را حفظ کنند. مغولان گر چه خوی وحشی‌گری داشتند اما سیاستشان اقتضا می‌کرد در مواقعی به آداب و فرهنگ مردم مناطق مفتوحه‌ای که قصد کشتارشان را نداشتند احترام بگذارند، از جمله اینکه در تاریخ بخارا نیز آمده است. بنابراین به نظر می‌رسد علت دیگر احترام و توجه مغولان به سادات، این بود که مغولان می‌دانستند درجایی حکومت می‌کنند که در ابعاد مختلف قومی و فرهنگی، بیگانه محسوب می‌گردند و آن چه می‌توانست باعث گسترش نفوذ آن‌ها در جامعه ایران شود، تکیه بر عواملی بود که طی قرون متمادی در جامعه ایرانی رشد کرده بودند. از این رو سادات به عنوان گروهی موجه و قدرتمند می‌توانستند باعث تحکیم حکومت مغولان در ایران شوند.^۳

علی‌رغم این اوضاع، چنگیزخان از زمان شروع فتوحات در مرزهای ایران تحت تأثیر مسلمانانی که با آن‌ها حشر و نشر داشت و هم‌چنین مصلحت‌های سیاسی که بیان شده، به لشگریان خود درباره رفتار با سادات سفارش‌هایی کرده بود؛ گرچه ممکن بود در عمل امرا و سربازان مغول از این قاعده و موارد مشابه آن تخطی کنند. نمونه‌ای از این خط فکری چنگیز را می‌توان در جریان لشکر کشی به بخارا دید که پس از فتح شهر، سادات به همراه بزرگان، مشایخ، علما و مجتهدان از مرگ نجات یافتند هرچند که مقام آنان تا حد ستور داری تنزل پیدا کرد،^۴ اما به‌هرحال جان سالم به در بردند. عنایت به سادات پس از چنگیزخان نیز در میان مغولان وجود داشت که به وضوح در جریان فاطمه‌خاتون طوسی می‌توان آن را پیدا کرد.

فاطمه‌خاتون بعد از اسارت ابتدا در بازار قراقروم دلالی می‌کرد. اما کم‌کم پای او به دربار ملکه یعنی توراکینا خاتون باز شد.^۵

۱. جوینی، عطا مک ابن محمد، تاریخ جهانگشای، ج ۱؛ ص ۲۸۰.

۲. مراد زاده، رضا، چگونگی نفوذ و گسترش اسلام در چین، ص ۱۵۵.

۳. همان، ص ۱۱۹.

۴. بحرانی پور، حاجی‌آبادی. رابطه سادات و حاکمیت؛ مبانی و معیارهای نفوذ سیاسی و اقتدار سادات در

حکومت مغول، ص ۱۱۸.

۵. مراد زاده، رضا، چگونگی نفوذ و گسترش اسلام در چین، ص ۱۵۵.

نفوذ در دربار مغول

فاطمه خاتون در ابتدا مشغول فعالیت‌های تجاری شد و بعد از مدتی کوتاه با لیاقت‌های ذاتی و هوشیاری فوق‌العاده در دربار مغول نفوذ پیدا کرد و زمانی که توراکینا قدرت را به دست گرفت، فاطمه خاتون موفق شد شایستگی و کاردانی خود را بهتر از گذشته به نمایش بگذارد.^۱ او گرچه کنیز توراکینا محسوب می‌شد ولی با کاردانی و لیاقتی که داشت کم‌کم اعتماد کامل توراکینا خاتون را جلب نمود و تبدیل به اصلی‌ترین مشاور و صمیمی‌ترین همراه در دربار توراکینا شد. عملاً تمامی امور مملکت‌داری به او سپرده شده بود. جوینی می‌نویسد:

«در این وقت بنده‌ای بود فاطمه نام... که جملگی کارهای ملک بر کفایت او مفوض شده»^۲

پس از مرگ قآن اعتبار فاطمه خاتون افزایش یافت چون وی

«چنان که محرم اسرار درونی و محل رازهای نهانی توراکینا شد»^۳.

فاطمه خاتون و اقداماتش در خدمت به مسلمانان

در دوره توراکینا خاتون زمام بسیاری از امور به دست فاطمه خاتون افتاد که توانسته بود از قدرت و نفوذ خود در رتق و فتق بسیاری از امور استفاده کند تا جایی که حتی برخی بزرگان خراسان و سادات مشهد برای پیش‌برد کارهایشان به او متوسل می‌شدند. این نزدیکی به نایب السلطنه تا جایی پیش رفت که توراکینا به او سمت وزارت (حاجبه) داد.^۴ او از حمایت‌های قراهیولگو^۵ (رئیس خانات جغتای مغولستان) و اورغینا خاتون^۶ (رئیس خانات جغتای ترکستان) برخوردار بود.^۷ مهم‌ترین اقدامات فاطمه خاتون عبارتند از:

۱. گلی زواره، غلامرضا. بازخوانی تاریخ عملکرد بانوان در امور کشورداری، ۱۳۸۶.

۲. جوینی، عطا مک ابن محمد، تاریخ جهانگشای، ج ۱؛ ص ۲۷۸.

۳. همان، ص ۲۸۰.

۴. عباسی، جواد؛ دلریش، بشری؛ دانشجو، حمیده؛ ورود زنان عالم و سخنور به دربار حکومت‌های ترک و مغول، ص ۳۳.

5. Qara-Hülegü.

6. Orghina Khatun.

7. De Nicola, Bruno, women in mongul Iran, p. 77.

روش‌های تبلیغ اسلام توسط فاطمه‌خاتون

با توجه به شیوه خانه بدوشی مغولان و پیروی از آیین شَمَنی، مغولان از نوعی مدارای اعتقادی برخوردار بودند که موجب شد در مواجهه با اقوام مغلوب، نسبت به باورهای دینی آن‌ها سخت‌گیری کم‌تری نشان دهند.^۱

روند اسلام‌پذیری مغولان خالی از دشواری نبود و شکنجه و فشار بر مسلمانان و درگیری و کشتار درون خاندانی از جمله پیامدهای این جریان به شمار می‌رفت. با این حال یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم وضعیت ناگوار مسلمانان در امپراتوری مغول، نیاز مغولان از طرفی به دیوانیان کاردان ایرانی و همچنین وضعیت رقابتی حساسی که در آن برهه تاریخی در آن قرار داشتند، آن‌ها را وادار به تأثیرپذیری از آیین اسلام می‌کرد. همچنین فاطمه‌خاتون با ایفای نقش سیاسی و اجتماعی فعال، توانست در ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه مغول بخصوص رهبران‌شان تغییرات چشم‌گیری ایجاد کند. درنهایت تلاش‌های فاطمه‌خاتون موجب شد نه تنها دین اسلام در آن مناطق به شیوه فرهنگی گسترش پیدا کند بلکه موجب شد تا دیگر مبلغان مسلمان هم از تأثیرات برجای گذاشته فاطمه‌خاتون نهایت استفاده را ببرند. همچنین الگویی غیر قابل انکار نیز برایشان باقی ماند. در ادامه بخشی از فعالیت‌های این بانوی ایرانی بیان خواهد شد.

حذف دیوان‌سالاران دوره چنگیز

فاطمه‌خاتون قصد داشت که به جامعه مغولی بفهماند که «گرچه امپراتوری با اسب فتح شده است ولی اداره آن با اسب ممکن نیست»^۲

اولین کاری که فاطمه‌خاتون بعد از نفوذ در دربار مغول آن‌جام داد پاک کردن دربار امپراتوری از وزرا و امرایی بود که سابقه بدی در توحش و غارت دیگر اقوام داشتند و یا در برابر سلطنت توراکی‌نا اقدامات منفی آن‌جام می‌دادند و منطقه را درگیر شورش کرده بودند.^۳ بعضی از این افراد دشمنی دیرینه با فاطمه‌خاتون و سیاست‌هایش داشتند زیرا آن‌ها را وادار می‌کرد که دست از فرهنگ وحشیانه مغولی

۱. فضلی نژاد، مهرجویی، بررسی روند اسلام‌پذیری خاندان چغتای در ماوراءالنهر، فصلنامه تاریخ اسلام، ص

۱۶۵.

۲. گروسه، چهره آسیا، ۱۳۷۵، ص ۲۹۲.

۳. شهریار، سرگذشت فاطمه‌خاتون، ص ۳۱.

خود بردارند و به سمت فرهنگ و تمدن اسلامی بروند. افرادی که به دستور فاطمه خاتون از منصب خود برکنار شدند عبارتند از:

یلوچوتسای^۱: یک مشاور و فرماندار قدرتمند در اوایل امپراتوری مغول بود. وی اولین فرماندار چنگیزخان بود که در هنگام حمله و فتوحات مغول سیاست‌گذاری‌هایی کرد و هم‌چنین بسیاری از اصلاحات اداری را هم در زمان چنگیزخان و هم جانشین او اگتای در شمال چین آن‌جام داد.

محمود یلواج^۲: یکی دیگر از مشاوران چنگیزخان بود که بر چین شمالی حکومت می‌کرد و سرآن‌جام به عنوان شهردار تایدو (پکن کنونی) مشغول به کار شد.^۳ مسعود بیگ^۴: مسعود بیگ پسر محمود یلواج است. او با جلب اعتماد کامل اوگتای قآن توانست به جایگاه بالای حکومتی دست یابد.^۵ ولی بعد از سلطنت توراکینا با وی به مخالفت پرداخت.

امیر چینقای؟ یکی از شخصیت‌های مهم با سمت وزیر اگتای، که مسیحی و به شدت ضد اسلام بود^۶، بلافاصله بعد از این که توراکینا نیابت سلطنت را گرفت، احتمالاً با تحریک فاطمه خاتون، از کار برکنار شد.^۸

امیر گرگوز^۹: امیر گرگوز اوغوری (جرجیوس) برخلاف نام مسیحی که داشت یکی از کنفوسیوسی‌ان دربار مغول بود. به عنوان یکی از چهار حکمران و کارگزار امپراتوری مغول در فاصله کشته شدن جلال‌الدین خوارزمشاه تا فرمانروایی هلاکوخان در ایران. گرگوز بعد از مرگ نوسال^{۱۰}، از سال ۶۳۷ تا ۶۴۱ هـ حاکم ولایت‌های تسخیرشده از رود جیحون تا حدود فارس، گرجستان، موصل و بلاد روم شد. قبل از حاکم شدن، یکی از دبیران جوجی (پسر چنگیز) و یکی از امرای جنتمور

1. Yeh-lü Ch'u-ts'ai.

2. Mahmud Yalavach.

3. Lane, George. (2006). Daily Life in the Mongol Empire. pp 62.

4. Mas'ud Beg.

۵. مراد زاده، رضا، چگونگی نفوذ و گسترش اسلام در چین، ص ۱۵۵.

6. Cingai.

۷. بیانی، شیرین، (۱۳۹۱) مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، ص ۷۱.

۸. جوینی، عطا مک ابن محمد، تاریخ جهانگشای، ج ۱: ص ۲۷۷.

9. Körguz.

۱۰. یکی دیگر از چهار حکمران و کارگزار امپراتوری مغول در فاصله کشته شدن جلال‌الدین خوارزمشاه تا فرمانروایی هلاکوخان در ایران بود. امیری کهن‌سال بود که بعد از مرگ جنت‌مور به امر اوگتای قآن جانشین او شد و بر همان نواحی خوارزم و خراسان و مازندران حکومت می‌کرد.

نخستین کارگزار مغول در ایران بود. بعد از مرگ نو سال حاکم ممالک تسخیر شده از رود جیحون تا حدود فارس و گرجستان و موصل و بلاد روم شد.^۱

انتصاب دیوان سالاران ایرانی

دومین اقدام مؤثر فاطمه خاتون برای آرام کردن خوی وحشی‌گری مغول‌ها انتصاب وزرا و امیران مسلمان و ایرانی تباری بود که تاثیر عمیقی در جهت‌گیری سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مغولان داشتند. هرچند در این دوره هنوز مغول‌ها در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی سرگردان بودند ولی فضا به سمت تعامل سازنده با اقوام دیگر سوق داده می‌شد در نتیجه تأثیرپذیری مغولان از مسلمانان به صورت غیرمستقیم در حال رخ دادن بود. تعدادی از افرادی که به واسطه فاطمه خاتون بر سر کار آمدند عبارتند از:

عبدالرحمن: فاطمه خاتون به جای یلوچوتسای وزارت را به یک تاجر ایرانی مقیم دربار به نام عبدالرحمن سپرد.^۲ عبدالرحمن به طور مقاطعه‌ای مالیات چین را دریافت می‌کرد و به دربار تحویل می‌داد وی در ضمن افزایش ثروت مردم، مالیات دریافتی را دو برابر کرده بود.^۳

علی خواجه: از دیگر اقدامات فاطمه خاتون این بود که شخصی علوی و سمرقندی به نام علی خواجه را به وزارت منصوب کند. وی که از یاران وفادار خاتون بود، به یکی از کارگزاران مؤثر در امپراتوری مغول تبدیل گردید.^۴

شرف‌الدین خوارزمی: یکی دیگر از دیوان سالاران مورد حمایت فاطمه خاتون، شرف‌الدین خوارزمی است. شرف‌الدین در سایه پشتیبانی فاطمه خاتون تحت حکومت مغولان در خراسان جایگاه از دست رفته خود را در امور دیوانی دوباره به دست آورد.^۵

۱. موسوی، توس شهر خفته در تاریخ، ص ۴۰.

2. De Nicola, Bruno, women in mogul Iran, p. 71.

۳. جوینی، عطا مک ابن محمد، تاریخ جهانگشای، ج ۱، ص ۲۷۸.

۴. جامع التواریخ، ۱۳۳۸، ج ۱، ص ۵۶۵.

۵. جوینی، عطا مک ابن محمد، تاریخ جهانگشای، ۱۳۸۲، ج ۲، ۲۴۱.

امیر عمادالدین: دیوان کتابت و انشا نیز در دست مسلمانانی هم‌چون امیر عمادالدین بود کاتبان ایرانی نامه‌ها را به خط و زبان فارسی می‌نوشتند که سبب شد زبان فارسی در آن سرزمین گسترش یابد.^۱

آوردن توراکینا خاتون برای بازدید از ایران

فاطمه‌خاتون می‌بایست برای کشور و زادگاه خویش کار مؤثری آن‌جام می‌داد. بهترین راه خدمت این بود که توراکینا خاتون را راضی کند که به ایران سفر کند و خود از نزدیک وضعیت کشور متشوش و غارت‌زده ایران را که از حمله مغولان صدمه زیادی دیده بود را ببیند تا در نهایت بتواند با نفوذی که بر روی توراکینا خاتون داشت افراد مد نظر خود را به امارت در ایران بگمارد و با استفاده از جایگاه نایب‌السلطنگی توراکینا، فرمان‌هایی جهت تمشیت امور ایرانی‌ها بدهد. از همین رو با پافشاری فاطمه‌خاتون در سال ۶۴۱ هـ توراکینا به خراسان رفت. توراکینا مدتی در ایران اقامت گزید و دست به تحولاتی زد، به خصوص دسته‌ای جدید را روی کار آورد که بیشتر ایرانی بودند تا مغولی.^۲ تا آن تاریخ چنین کاری در تاریخ مغولستان سابقه نداشت، پس از آن هم هیچ‌کدام از قآن‌ها به ایران مسافرت نکردند. نتیجه این مسافرت به کار گذاشتن برخی از ایرانیان بود که از گماشتگان فاطمه‌خاتون بودند.

ایجاد پناهگاه برای افرادی که از دست امرای مغول فرار می‌کردند

در این دوره امرای مغول در کشورها و مناطق دور دست تا حدودی مستقل عمل می‌کردند و هم‌چنان به خوی وحشی‌گری خود در تعامل با مردم ادامه می‌دادند. در این بین افراد زیادی از دست مغول‌ها فراری شده بودند. فاطمه‌خاتون با ایجاد محیطی امن در پایتخت توانسته بود مامن بسیاری از این پناهندگان شوند. بدون شک فاطمه‌خاتون در تحریک توراکینا جهت حمایت از پناهندگان نقش مهمی ایفا کرده بود. نفوذ او نزد توراکینا و تسلطی که بر امور داشت موجب شد بزرگان و دیوان‌سالاران ایرانی به حمایت وی امیدوار شوند.^۳

۱. رضوی، سید ابوالفضل، مسلمانان خوانین مغول بر پایه زمینه‌های اسلام‌پذیری ایلخانان، پژوهشنامه تاریخ اسلام، ص ۵۰.

۲. بیانی، شیرین، ایران در برخورد با مغول؛ ص ۳۱ و ۳۲.

۳. جوینی، تاریخ جهانگشای، ج ۱؛ ص ۲۸۰.

مهاجرت ایرانیان به چین

فاطمه‌خاتون در همین مدت زمان کوتاه قدرتمندی‌اش در دربار مغول، در پایتخت محیط امنی را برای ایرانیان فراهم آورد. از جمله افرادی که به حمایت وی دلگرم شدند بزرگان خراسان و جمعی از سادات مشهد مقدس بودند؛ آنان برای بهبود جایگاه خویش نزد وی رفتند.^۱ حمایت فاطمه‌خاتون از آنها باعث شد که آنها در - آنجا مستقر شوند و فعالیت‌های فرهنگی بسیاری انجام دهند. برای مثال شخصی به نام سید اجل که پس از مهاجرت به چین^۲ با نشان دادن شایستگی‌های خود در فتح شهر دالی، فرماندار یونان شد و تأثیرات فرهنگی و سیاسی زیادی از خود بر جای گذاشت از جمله برپایی مساجد اسلامی و ترویج دین اسلام در آن منطقه بخصوص شهر نانجینگ تا چندین نسل بعد از خود شد.^۳

جایگزین کردن استانداران مغولی ایران

مغول‌ها که خود را فاتحان جهان می‌دانستند و حق فرماندهی بر ممالک تسخیر شده از جمله ایران را برای خود می‌خواستند، براین اساس هر یک بر قسمتی از ممالک مفتوحه حکومت می‌کردند و ایران نیز از این وضعیت مستثنی نبود، بر این اساس جایگاه فرمانداری بر شهرها و استان‌های ایران را مغول‌ها تصاحب کرده بودند و طبعاً با شیوه و خلق و خوی مغولی بر ایرانیان حکومت میراندند. از سال ۶۱۸ تا سال ۶۵۴ هـ. وضع حکومت ایران و اداره آن زیر پرچم مغول به این شکل بود که خانان مغول یک نفر را مستقیماً از مغولستان به‌عنوان حاکم جهت اداره کشور می‌فرستادند و این حکام با کمک عمال و دبیران ایرانی به جمع مالیات و اداره امور کشوری و دفع مخالفین می‌پرداختند. در دوره چنگیز ابتدا جنتمور (۶۳۳ - ۶۳۰) حاکم خراسان و مازندران، و سپس نو سال (۶۳۷ - ۶۳۳) حاکم خوارزم و خراسان و مازندران بخش‌هایی از ولایت ایران را حکمرانی می‌کردند و سپس نوبت به گرگوز (۶۴۱ - ۶۳۷) رسید که وی حاکم ولایت‌های تسخیرشده از رود جیحون تا حدود فارس و گرجستان و موصل و بلاد روم شد.^۴

۱. جوینی، تاریخ جهانگشای، ج ۱؛ ص ۲۸۰.

2. 玉溪《使者》. CCTV.com (in Chinese). 编导：韩玲 (Director: Han Ling) 摄像：李斌 (Photography: Li Bin). 央视国际 (CCTV international). 2005-02-24. Retrieved 24 April 2014.
3. He, Gaoji; Lu, Junling, eds. (2013). 域外集. Beijing: Zhonghua Book Company. pp. 99.

۴. اقبال آشتیانی، (۱۳۶۴). تاریخ مغول، ص ۱۶۶.

بعد از سیاست حذف امیران سابق توسط توراکینا و فاطمه‌خاتون، گرگوز (امیر خراسان) توسط امیر ارغون (ارغون آقا^۱) دستگیر و به اردوی توراکینا فرستاده شد. توراکینا، گرگوز را به زندان انداخت و بعد از حذف وی اداره امور سرزمین‌های تحت اختیار او را، از آمویه (آمل یا چارگو در خراسان قدیم و ترکمنستان فعلی) تا فارس و گرج (گرجستان) و روم و موصل، به امیر ارغون سپرد. وی حدود سیزده سال بر ایران حکومت کرد و حاکم ممالکی که از قبل در تصرف گرگوز بود یعنی از رود جیحون تا حدود فارس و گرجستان و موصل و بلاد روم شد.^۲

امیر ارغون در سال ۶۴۱ هـ به خراسان آمد و نایبانی در خراسان قرارداد و خود به عراق عجم و آذربایجان رفت و اوضاع آن نواحی را که به سبب بی‌تدبیری‌ها و ستم‌های امرای مغول آشفته بود، سامان داد. در تبریز با فرستادگان پادشاهان روم (آسیای صغیر)، شام و حلب دیدار کرد و ایلچیان را برای گرفتن خراج به آن نواحی فرستاد. ارغون آقا در ۶۴۵ هـ به خراسان بازگشت و در بین راه نسبت به مردم ماوراءالنهر و ترکستان الطاف زیادی نشان داد.^۳ با نفوذ فاطمه‌خاتون بر روی امیر ارغون بسیاری از امرا و استانداران مغولی حذف و با امرای ایرانی نژاد جایگزین شدند. او سرداران بزرگ مغول مثل جورماغون نوریان و بایجو را که با مردم با ظلم و خشونت رفتار می‌نمودند را برکنار کرده و از جانب خود کارگزاران و منشیان عادل تری را جایگزین آن‌ها کرد.^۴ اعتبار ارغون آقا به اندازه‌ای بود که حتی پس از تصرف ایران توسط هلاکوخان وی به سمت مقاطع الممالک (ناظر امور مالی مملکت) منصوب شد. ارغون آقا پسران متعددی داشت که نامدارترین آنان، نوروز بیک بود که اسلام آورد و پس از سال‌ها شورش بر ضد حکومت ایلخانان، سرانجام به خدمت غازان خان درآمد و موجب اسلام آوردن ایلخانان گردید.^۵

حمایت از دانشمندان ایرانی

یکی دیگر از اقدامات مؤثر فاطمه‌خاتون حمایت از دانشمندان ایرانی بود که بر اثر ظلم مغولان یا کشته شده بودند یا به حاشیه رانده شده بودند. او

1. arqūn āqā.

۲. جوینی، تاریخ جهانگشای، ج ۲، ص ۵۳۴.

۳. اقبال آشتیانی، (۱۳۶۴). تاریخ مغول، ص ۱۶۸.

۴. جوینی، عطا مک ابن محمد، تاریخ جهانگشای، ج ۲، ص ۵۷۴.

۵. اقبال آشتیانی، (۱۳۶۴). تاریخ مغول، ص ۱۶۹.

۶. خطیبی، ابوالفضل؛ ارغون آقا، ۱۳۹۸.

حمایت‌های شایسته‌ای از مورخ مشهور عطا ملک جوینی، نگارنده تاریخ جهانگشای داشت^۱، از جمله این که جوینی به دبیری امیر ارغون دست‌نشانده فاطمه‌خاتون در ایران رسید. و تاریخ جهانگشا یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی را در همین زمان به رشته تحریر درآورد^۲.

آرام کردن خوی وحشی‌گری مغول‌ها

دلیل عمده موفقیت مسلمانان در آن دوران این بود که مغول‌ها اقوامی چادرنشین، دور از سیاست، حکومت‌داری و مملکت‌داری بودند و به سیاستمدارانی کار بلد برای اداره حکومت خویش نیاز داشتند و چون به مردم چین که مغلوب شده بودند اعتماد چندانی نداشتند، در نتیجه بیشتر کارها را به مسلمانان که اکثر آنان از آسیای میانه آمده بودند و اصلیت ایرانی داشتند سپردند. فاطمه‌خاتون از آن‌جا که جزء اولین افراد غیر مغولی‌ای بود که توانست در بالاترین جایگاه امپراتوری مغول نفوذ کند، بر این اساس تلاش بسیاری در آرام کردن مغول‌های وحشی نمود و ما شاهدان هستیم که بعد از این دوره مغول‌ها کم کم به سمت آرام شدن پیش رفتند و حتی در مواردی نیز تمدن ساز شدن دو و به این ترتیب کار مسلمانان رونق گرفت و آنان در امور اداری دستگاه مغول صاحب نفوذ شدند.^۳

رواج انتصاب افراد شایسته ایرانی در امپراتوری مغول

هنگامی که تدبیر فاطمه‌خاتون در جایگزین کردن امرای ایرانی با استانداران مغولی توانست تأثیرات خود را نشان دهد و امپراتوران مغول دیدند که ایرانی‌ها چقدر ماهرانه‌تر از مغول‌ها - که بیشتر شیوه جنگاوری را می‌دانستند تا کشورداری - توانایی اداره کشور را دارند. هم‌چنین از این جهت که برخی از سیاست‌های ایرانیان باعث افزایش درآمد و در پی آن فرستادن مالیات‌های بیشتر به پایتخت شده بود، بر این اساس مغولان ایرانیان بیشتری را در دوره‌های بعد به استانداری ایالت‌های مختلف امپراتوری‌شان منصوب کردند نفوذ ایرانیان در دربار کربلای خان^۴ و کارگزاران اداری در چین چندان بود که حکومت استان یونان به سید اجل (یک فرد مسلمان

۱. اقبال آشتیانی (۱۳۶۴)، تاریخ مغول، ص ۲۱۷.

۲. ر. که مقدمه مصحح جهانگشا، ج ۱. ص ۲۵-۲۳.

۳. مراد زاده، رضا، چگونگی نفوذ و گسترش اسلام در چین، ص ۱۵۱.

4. Kublai Khan.

ایرانی) رسید.^۱ با بروز کردانی و لیاقت ایرانیان، افراد زیادی به مقام حکومت در ایالت‌های مختلف چین رسیدند. وی آن‌چنان در چین تأثیرگذار بود که بسیاری از فرزندان، برادران و نوادگان وی حتی تا چندین نسل بعد نیز در چین صاحب مقامات بالای حکومتی بودند و نسل وی تا هم اکنون نیز در چین زندگی می‌کنند.^۲

کمک به گسترش اسلام در چین

باز کردن پای ایرانی‌ها به چین اثرات فرهنگی خود را گذاشت و دین اسلام کم‌کم به جامعه چینی و مغولی معرفی شد و مناطق بیشتری با اسلام آشنا شدند. از جمله حضور افرادی مانند سید اجل در چین مهم‌ترین عامل گسترش اسلام در یوان چین بود.^۳ شمار بسیاری از مسلمانان در میدان‌های سیاسی چین درخشیدند که البته نکته حائز اهمیت این است که اسلام در این مناطق نه با زور و خشونت بلکه با ترویج آموزش و پرورش در این مناطق گسترش یافت و تأثیر فرهنگی شگرفی را در چین ایجاد کرد.^۴ و این دانشمندان و سیاستمدارانی مانند فاطمه‌خاتون بودند که دین اسلام را به ایالت‌های مغول و ترکستان عرضه کردند.

نفوذ کند و تدریجی اسلام در مغولستان از قرون اولیه اسلامی و سپس سرعت گرفتن این نفوذ، پس از تماس با دنیای اسلام در قرون بعد، در نزد مغولان جنبه اساطیری یافت، و متون تاریخ اسلامی آن را تا زمان اجداد اولیه چنگیز پیش بردند.^۵



سکه‌ای مربوط به دوران

سلطنت توراکینا خاتون که دارای نمادهای اسلامی مانند «الله» و «محمد» است.

۱. عبدالحسین نوایی، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، ص ۳۸.

2. He, Gaoji, Lu, Junling, eds. (2013). 域外集. Beijing: Zhonghua Book Company. pp. 66.

3. Lane, George (June 29, 2011). "SAYYED AJALL". Encyclopædia Iranica. Encyclopædia Iranica. Retrieved 17 November 2012.

4. Yang, Bin (2009). Between winds and clouds: the making of Yunnan (second century BCE to twentieth century CE) p. 157. Retrieved 2016.

۵. شیرین‌بیانی، (۱۳۷۰). دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۱، ص ۶۴.

مرگ تلخ فاطمه خاتون

دوران اقتدار فاطمه خاتون چندان طولانی نبود اما او در این مدت اقدامات مؤثری را به ثمر رسانید. فاطمه خاتون که در اوج قدرت بود طی چند واقعه‌ای که بیان خواهد شد به زیر کشانده شد و مرگ تلخی برایش رقم خورد. آن اتفاقات عبارتند از:

انتصاب گیوک به سلطنت

توراکینا خاتون طی قوریلتایی بزرگ و شکوهمند فرزند ارشدش گیوک را بر تخت سلطنت نشانند.

گیوک که تحت تربیت وزرا و مربیان مسیحی تربیت شده بود و خود نیز پیرو آیین مسیحیت بود.^۱ وی در دوران حکومت خود تحت تأثیر عناصر مغولی و چینی، خصوصاً مشاور مسیحی‌اش بود که در نهایت با مادر خود، توراکینا خاتون، بر سر مسائل اصولی و خطامشی سیاسی اختلافات شدیدی پیدا کرد.^۲ (مکاتباتی بین گیوک و پاپ اینوسنت چهارم در تاریخ وجود دارد که نشان از ارتباط صمیمانه گیوک با آیین مسیحیت در آن زمان دارد).^۳

نقش مسیحیان در کودتا علیه فاطمه خاتون

مسیحیان ده‌ها سال قبل از ظهور چنگیزخان در نزاع گسترده‌ای با مسلمانان بر سر اراضی مقدس در فلسطین درگیر بودند و جنگ‌های دویست ساله‌ای به نام جنگ‌های صلیبی را علیه مسلمانان پی‌ریزی کرده بودند اما در نهایت شکست خوردند و به سرزمین‌های خود بازگشته بودند.^۴

شکست صلیبیان مقارن با شروع حمله چنگیزخان به سرزمین‌های اسلامی بود. پس از سرازیر شدن فاتحان مغول در سرزمین‌های اسلامی و پراکنده شدن اخبار جنگ با خوارزمشاهیان در اروپا، بار دیگر افسانه قدیمی یوحنا ق‌دیس در میان مردم اروپا زنده شد و شایعه‌ای انتشار یافت مبنی بر این که سلطانی مقتدر و مسیحی در شرق ظهور کرده که احتمالاً از سلاله یوحناست و می‌خواهد با کمک سلاطین

1. De Nicola, Bruno, women in mogul Iran, pp. 180.

۲. مراد زاده، رضا، چگونگی نفوذ و گسترش اسلام در چین، ص ۱۵۱.

3. Weatherford, Jack (2004). Genghis Khan and the Making of the Modern World. New York: Crown. p. 165.

4. David Nicolle, Crusader Warfare Volume II: Muslims, Mongols and the Struggle against the Crusades (2007).

اروپایی اسلام را ریشه کن کند و تمام مشرق زمین را به دین مسیح بگرداند.^۱ کاری که مسیحیان نتوانسته بودند با دویست سال جنگ آن جام دهند چنگیز در مدت کوتاهی به آن جام رسانید و بر این اساس آن‌ها چنگیز را موهبت آسمانی برای غلبه بر دشمنان دیرین خود می‌دانستند و چنین می‌پنداشتند که این هجوم (مغول) به فرمان و رهبری ملک داوود است.^۲ ولی این شایعه و این امید دیری نپایید، زیرا در زمان اوگتای قآن، هنگامی که مغولان هم زمان با پیروزی در آسیای میانه و شرق ایران و شمال چین، حملات خود را به روسیه آغاز کردند و تا مسکو و کیف پیش‌راندند و سپس به لهستان رسیدند و از رود ویستول گذشتند، کلیسا و اروپاییان را وحشت بسیار فراگرفت. کشتار و ویرانی چنان بر نواحی متصرفی سایه افکند که نه تنها از افسانه یوحنا ی قدیس اثری باقی نماند، بلکه برعکس، مغولان در اروپا «درندگان وحشی» و «بلای آسمانی» قلمداد شدند که برای تخریب جهان آمده‌اند.^۳ به منظور جلوگیری از این خطر جدی و روزافزون، پاپ اینوسنت چهارم در سال ۱۲۴۵ م / ۶۴۳ ق، مجمع عمومی کلیسا را در شهر لیون تشکیل داد. دستور جلسه طرح نقشه‌ای هوشمندانه برای مقابله با تهاجم مغولان در اروپا و یافتن راهی برای مسیحی کردن آنان و ضمناً استفاده از این نیروی تخریبی برای رویارویی با مسلمانان و ریشه کن کردن اسلام بود.^۴ مسیحیان در این دوره سیاست زیرکانه‌ای را در پیش گرفتند آن‌ها زنان زیبا روی خود را به دربار مغول‌ها می‌فرستادند و تلاش می‌کردند یا خود این زن‌ها ملکه دربار شوند و یا بر روی ملکه دربار مغول تأثیرگذار باشند و حداقل بتوانند ولیعهد و جانشین امپراتور را با تربیت مسیحی بزرگ کنند تا در دوره بعد بتوانند با استفاده از یک امپراتور مسیحی مغولی کل امپراتوری پهناور مغول را از چین تا اروپا، مسیحی نمایند. دنیای غرب با اتکا به این افراد تلاش همه‌جانبه‌ای را جهت مهار هجوم مغولان به غرب از یک سو و به‌کارگیری آن‌ها علیه جهان اسلام آن جام دادند و سفرای متعددی به دربار مغولان اعزام نمودند. آن‌ها نتوانسته بودند در دوره چنگیز و اوگتای تنی چند از شخصیت‌های مسیحی را تا حد وزارت در دربار مغول ارتقا دهند از جمله امیر چینق‌ای - که از مشاهیر امرای

۱. شیرین‌بیانی، (۱۳۷۰). دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۱، ص ۱۷۷؛ بر تولد اشیپور، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میر آفتاب، ص ۲۳۱.

۲. دوراکه ویلتس، سفیران پاپ به دربار خانان مغول، ترجمه مسعود رجب نیا، ص ۵۴.

۳. شیرین‌بیانی، (۱۳۷۰). دین و دولت در ایران عهد مغول، ص ۱۷۸.

۴. برتولد اشیپور، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میر آفتاب، ص ۲۳۰ و شیرین‌بیانی، دین و دولت در عهد مغول، ص ۱۷۸.

عیسوی اکتای بود^۱ - که توانسته بود تا جایگاه وزارت در امپراتوری مغول ارتقا یابد و حتی بر توراکینا نیز تأثیر گذاشته بودند و وی را به پیروی از آیین مسیحیت کشانده بود^۲. مبتنی بر همین نقشه نیز توراکینا فرزندش گیوک را زیر نظر فردی به نام قداق نویان^۳ با تربیت مسیحی بزرگ کرده بود. و گیوک نیز پیرو آئین مسیح بود. فاطمه خاتون که از ترفند مسیحیان آگاهی داشت در اولین اقدام امیر چینقای را از وزارت خلع کرده بود اما اکنون دوباره امیر چینقای به قدرت بازگشته بود و تصمیم داشت در اولین اقدام بزرگترین مخالفش را که نقشه‌های او را خوب می‌دانست، از سر راه بردارد. وی گیوک را برای قتل فاطمه خاتون تحریک می‌کرد^۴.

ناسپاسی گیوک

اگر حمایت‌های بی‌دریغ توراکینا نبود گیوک هیچ اقبالی برای امپراتوری نداشت. ولی بعد از به دست گرفتن زمام امپراتوری قدردان زحمات مادرش نبود و پس از استقرار در مقام سلطنت، مبارزه خود را با برخی از عناصر درباری و دیوانی حکومت پیشین آغاز کرد. فاطمه خاتون، زنی که در دوره توراکینا زمام امور اداری و اجرایی را در اختیار داشت، گرفتار خشم و غضب وی و عزل شدگان پیشین شد. گیوک از نفوذ بیش‌ازحد فاطمه خاتون در کار حکومت ناراضی بود. وی قصد داشت فتوحات خود را در سرزمین ایران دنبال کند اما وجود فاطمه خاتون و هوادارانش وی را دستگاه حکومت خطرناک می‌دانست^۵. فاطمه خاتون با همه کوشش خود نتوانست گیوک را تحت تسلط خود درآورد. گیوک هم که یک مغولی اصیل از خاندان چنگیز و به همان نسبت سنت‌گرا، کینه‌توز و انتقام‌جو بود. مسلماً از کاهش قدرت عنصر مغولی و نیرو گرفتن مسلمانان ایرانی بیمناک بود^۶.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. اقبال آشتیانی. (۱۳۶۴)، تاریخ مغول. ص ۱۵۲.

2 . Lily Xiao Hong Lee, Sue Wiles: Biographical Dictionary of Chinese Women: Tang Through Ming, 618-1644. M.E. Sharpe, 2014.

۳. وی از قبیله نایمان و مسیحی بود. در زمان کودکی گیوک مربی و سرپرست او بود. و در زمان سلطنت گیوک به مقام وزارت وی رسید.

۴. پی نی رشیدوو، سقوط بغداد و حکم‌فرمایی مغولان در عراق، ترجمه اسدالله آزاد، ص ۱۷۸.

۵. جوبینی، تاریخ جهانگشای، ج ۱، ص ۲۸۰.

۶. مراد زاده، رضا، چگونگی نفوذ و گسترش اسلام در چین، ص ۱۵۶.

اتهام سحر کوتان

پس از مدتی کوتاه از انتصاب گیوک به امپراتوری، برادرش کوتان^۱ مریض شد. در این میانه فردی امیر قداق که یکی از مسیحیان متنفذ در دربار و مربی گیوک نیز بود فاطمه‌خاتون را متهم به سحر کوتان نمود. از آن‌جا که کوتان نیز از دشمنان فاطمه‌خاتون بود، پیام‌رسانی نزد گیوک فرستاد و به او پیغام داد:

«علت بیماری کوتان سحر فاطمه‌خاتون است و اگر مرگ حادث شود فاطمه باید قصاص شود.»

پس از ادای پیغام، خبر مرگ کوتان به گیوک رسید.^۲ احتمالاً با تحریک همین امیر قداق بود که شاهزاده کوتان به برادرش پیغام فرستاد و به او گفت که رنجش بسیار است و همه این‌ها نتیجه سحر و جادوی فاطمه است و از قآن درخواست کرد که اگر اتفاقاً فاجعه‌ای برای او روی دهد مسئولش فاطمه است و باید حتماً از او انتقام بگیرد.^۳ هنگامی که کوتان درگذشت، گیوک خان که در شرف به دست گرفتن کنترل امپراتوری بود، توسط وزیر خود چینقای تحریک شد تا فاطمه را با این اتهام زیر سؤال ببرد. تعداد زیادی از منابع مسیحی این داستان را روایت می‌کنند و پس از آن تأکید می‌کنند که اتهامات جادوگری نادرست است، از این رو نشان می‌دهد که تصمیم گیوک برای اعدام رقیب سیاسی‌اش تنها بهانه‌ای بود برای کوتاه کردن دست مسلمانان از دربار مغول و در نتیجه حمایت بیشتر از مسیحیان دربار.^۴

محاکمه و قتل فاطمه‌خاتون

گیوک، مأموری نزد مادر خود فرستاد و فاطمه را برای محاکمه احضار کرد. اما از آن‌جا که فاطمه ندیمه مادر بود و نزد توراکی‌نا محبوبیت زیادی داشت او را پیش گیوک نفرستاد و پیغام داد که او را بعداً همراه خود خواهد آورد؛ اما چنین نکرد. هر نوبت که مأموری جهت احضار فاطمه‌خاتون فرستاده می‌شد توراکی‌نا بهانه‌ای می‌آورد. سرآن‌جام گیوک خشمگین شد و دستور داد مأموران برای آوردن فاطمه‌خاتون به زور متوسل شوند. توراکی‌نا وقتی اوضاع را چنین دید نتوانست عذر

۱. Kötän: فرزند دیگر اوگتای قآن که از همان اوایل سلطنت گیوک دچار بیماری بود. و همین مسئله دلیل برتری گیوک نسبت به او بود.

۲. جوینی، عظامک ابن محمد، تاریخ جهانگشای، ج ۱، ۲۸۰.

۳. مراد زاده، رضا، چگونگی نفوذ و گسترش اسلام در چین، ص ۱۵۷.

4. De Nicola, Bruno, women in mogul Iran, pp. 187.

جدیدی بیاورد و فاطمه‌خاتون را به گیوک تسلیم کرد.^۱ جوینی در کتاب خود آورده است که روزها و شبها فاطمه‌خاتون را برهنه بسته و تشنه و گرسنه می‌داشتند و شکنجه زیادی برایش تحمیل می‌شد.^۲ سرآن جام به کاری که کرده یا نکرده بود اعتراف نمود. پس از آن با نهایت سفاهت منافذ علوی و سفلی او را دوختند و در نمدی پیچیده در آب انداختند.^۳ تاریخ جهانگشا مصداق احوال فاطمه‌خاتون و گردش روزگار را با این‌گونه بیان کرده است؛

یکی را براری و شاهی دهی پس آن گه به دریا به ماهی دهی^۴

وفات توراکینا و خلع برخی از یاران فاطمه‌خاتون

بعد از قتل فاطمه‌خاتون، توراکینا که دل‌بستگی زیادی به او داشت زیاد طاقت نیاورد و در مدت کوتاهی پس از آن وفات یافت برخی علت مرگ او را غصه او در فراغ یار دیرینش فاطمه‌خاتون می‌دانستند هم‌چنین گیوک بر یاران و اطرافیان فاطمه‌خاتون نیز ترحم نکرد و بسیاری از آن‌ها را یا کشت و یا از منصب خلع نمود.^۵

اهمیت دوره فاطمه‌خاتون در تاریخ چین

می‌توان به جرأت گفت که فاطمه‌خاتون اولین بانوی ایرانی از سلاله سادات است که توانست بر بخش عمده‌ای از جهان متمدن آن دوران حکمرانی و نفوذ داشته باشد. اقدامات فاطمه‌خاتون با زیرکی‌ها و هوشمندی‌هایی همراه بود که راهی برای گسترش اسلام در مقابل ادیان مسیحیت، بودائیسیم و کنفوسیوسیسمی که آن دوران در ایلات مغول ریشه دوانده بود را به سرعت باز کرده بود. نکته مهم این است که فرهنگ اسلامی و سیاست‌هایی که مسلمانان چه در طی حمله چنگیز به ایران و چه در زمانی که توانسته بودند به دربار مغول نفوذ پیدا کنند، نه تنها یک شیوه جدید و مؤثر در زمینه کشورداری بود بلکه باعث گسترش دین اسلام در آن مناطق نیز شده بود. مسلمانان چه در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی و چه در زمینه‌های دینی و مذهبی در آن زمان به حدی رسیده بودند که گمان می‌رفت اسلام و فرهنگ اسلامی تمام آن سرزمین‌ها را در بر بگیرد اما افسوس که با نفوذ مسیحیت و در پی

۱. جوینی، عطا مک ابن محمد، تاریخ جهانگشای، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. همان.

3. Man, John (2006). Kublai Khan: From Xanadu to Superpower. p.77.

۴. جوینی، عطا ملک ابن محمد، تاریخ جهانگشای، ج ۱، ص ۲۸۰.

۵. مراد زاده، رضا، چگونگی نفوذ و گسترش اسلام در چین، ص ۱۵۷.

آن جانشینی گیوک و سیاست‌های وحشی‌گرانه‌اش در مقابله با فاطمه‌خاتون و افرادی که تحت حمایتش بودند به نحوی بود که دیگر جایی برای همراهی ایرانیان در دربار مغول باقی نگذاشته بود. البته حضور مسلمانان در چین بعد از جریان فاطمه‌خاتون هم‌چنان ادامه داشت و ما در قرن چهاردهم اوج قدرت مسلمانان را در دربار مغول با حضور شخصی به نام ژنگ‌هه که سیاستمدار و دریانوردی مسلمان بود را مشاهده می‌کنیم، که علاوه بر پیروی دربار مغول از سیاست‌های وی، دریانوردی‌های او باعث ترویج اسلام در مناطق خاورمیانه، آفریقا و بخش کوچکی از آمریکا جنوبی شده بود.^۱

نتیجه

از همان اوایل ظهور اسلام در مکه تا بدین زمان، مسلمانان سعی در گسترش دین اسلام در سرزمین‌های مختلف را داشته‌اند.

زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «دانش را بجوید اگر چه در چین باشد.^۲» عالمان و تجار بسیاری به این سرزمین قدم نهادند تا بتوانند مردمان را با گوشه‌ای از دریای علم و معرفت دین اسلام آشنا کنند. در این بین افرادی بودند که با زیرکی و ذکاوت فراوان توانستند حرکتی قابل توجه در برخی مناطق و مخصوصاً ایلات چادرنشین مغول بزنند تا مقدمه‌ای بر گسترش تدریجی اسلام در آن مناطق بشود. این جریان تا جایی پیش رفت که اگر با دخالت کشیشان مسیحی و نفوذ بیش‌ازحد آن‌ها در دربار مغول هم‌چون برخی از وزرای گیوک و سیاست‌های وحشی‌گرانه‌اش همراه نبود، شاید اکنون چین و مغولستان جزو سرزمین‌های اسلامی این دوران می‌بودند. نمونه کامل این هوش و ذکاوت را می‌توان در فاطمه‌خاتون طوسی مشاهده کرد که با دستیابی به مقامات بالای مغولی توانست تعداد بسیاری از بزرگان شیعه را به دربار مغول راه دهد که همین امر باعث تأثیرپذیری مغولان از ایشان و دادن مناصب بالای دولتی به مسلمانان شد. یکی از موانع جدی که بر سر راه فاطمه‌خاتون قرار گرفت، برخی از صاحب‌منصبان مسیحی و کنفوسیوسی بودند که با توجه به دشمنی دیرینه‌ای که با سیاست‌های فاطمه‌خاتون داشتند، مانع تأثیرگذاری بسیاری از اقدامات وی پس از دوره توراکینا خاتون شدند. البته بازهم در آن دوران کوتاه سلطنتش توانست اقدامات مثبت فراوانی را به آن‌جا برساند. هم‌چنین بعد از مرگ فاطمه‌خاتون، مغولان نتوانستند به‌طور کامل از ایرانیان چشم‌پوشند و در هر دوره‌ای مخصوصاً در دوره منکوقاآن که اوج قدرت‌گیری مسلمانان بود هم‌چنان ایرانیان صاحب بسیاری از عراضی

1. Tan Ta Sen, Cheng Ho and Islam in Southeast Asia, p.169.

۲. أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.

مغول و یا در بعضی مواقع وزیر و خان منطقه‌ای بودند. نتیجه ورود اسلام به چین اکنون جمعیتی حدود ۶۰ میلیون مسلمان در چین است که بیشتر آن‌ها در استان‌های سین کیانگ (شین جیانگ)، گانسو، نینگشیا و چینگهای زندگی می‌کنند. «اویغورها» و مردم هوئی^۱ دو قوم عمده مسلمان در چین هستند هم‌چنین «خویی‌زو» یا هوئی قوم مسلمان ایرانی‌تبار هستند^۲، که جمع کثیری از آن‌ها مدیون اقدامات مؤثر فاطمه‌خاتون در جهت گسترش اسلام در چین هستند.



۱. مردم هوئی بزرگ‌ترین قوم مسلمان در چین هستند و اویغورها دومین گروه قومی مسلمان در چین هستند. خویی‌زو یا هوئی قوم مسلمان ایرانی‌تبار هستند که حدود ۵۰۰ سال پیش برای ترویج دین اسلام به چین رفتند، با قوم خَن (هان) ازدواج کردند و در آن‌جا ماندگار شدند.
۲. درو. سی. گلدنی، «اسلام در چین» همگرایی یا تجزیه‌طلبی»، فصلنامه نامه تاریخ‌پژوهان (شماره ۵).

منابع

منابع فارسی

۱. اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۶۴) تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، تهران: امیرکبیر
۲. باسورث، کلیفورد ادموند، (۱۳۸۱) سلسله های اسلامی جدید: راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران
۳. بحرانی پور، علی؛ حاجی‌آبادی، فاطمه؛ (۱۳۹۷) رابطه سادات و حاکمیت مبنایی و معیارهای نفوذ سیاسی و اقتدار سادات در حکومت مغول، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۶۲
۴. برتولد اشپولر، (۱۳۹۳) تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۵. بیانی، شیرین. (۱۳۵۳). ایران در برخورد با مغول. طهوری
۶. بیانی، شیرین. (۱۳۹۱). مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
۷. بیانی، شیرین. دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۱، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ ۲، تهران، ۱۳۷۰
۸. جوینی، علاءالدین عطا مک محمد. (۱۳۹۱). تاریخ جهانگشای. (به تصحیح محمد قزوینی). تهران: انتشارات نگاه
۹. حسینی خاتون آبادی، عبدالحسین، (۱۳۵۲) وقایع السنین و الاعوام، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة
۱۰. حسینی خواندمیر، (۱۳۳۳). غیاث‌الدین بن همام الدین، تاریخ حبیب السیر فی الخبار افراد بشر، تهران، خیام
۱۱. خطیبی، ابوالفضل؛ ارغون آقا، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی
۱۲. درو، سی. گلدنی، «اسلام در چین «همگرایی یا تجزیه‌طلبی»»، فصلنامه نامه تاریخ‌پژوهان (شماره ۵)
۱۳. دوراکه، ویلتس، (۱۳۵۳) سفیران پاپ به دربار خانان مغول، ترجمه مسعود رجب نیا. خوارزمی
۱۴. رشیدو، پی. نن. (۱۳۶۹) سقوط بغداد و حکم‌فرمایی مغولان در عراق، (ترجمه اسدالله آزاد). آستان قدس رضوی
۱۵. رضوی، سید ابوالفضل، (۱۳۹۲) مسلمانان خوانین مغول بر پایه زمینه‌های اسلام‌پذیری ایلخانان، پژوهشنامه تاریخ اسلام، شماره ۱۱
۱۶. سرافرازی، عباس، (۱۳۹۴) شعائر شیعی بر سکه‌های اسلامی تا شکل‌گیری حکومت صفویان، نشریه شیعه شناسی دوره ۱۳، شماره ۵۱
۱۷. شهریار، بهمن، (۱۳۹۳). سرگذشت فاطمه‌خاتون، مجله رشد آموزش تاریخ، شماره ۵۷
۱۸. عباسی، جواد، (۱۳۸۱) سادات در دوره مغول، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره مسلسل ۱۲

۱۹. عباسی، جواد؛ دلریش، بشری؛ دانشجو، حمیده؛ (۱۳۹۶) ورود زنان عالم و سخنور به دربار حکومت‌های ترک و مغول (مهمستی گنجوی، بیبی منجمه، فاطمه خراسانی)، آفاق علوم انسانی، شماره ۴
۲۰. فدایی، سید احمد، (۱۳۶۹). وضعیت مسلمانان چین در دوره‌های مختلف، مشکلات بهار ۱۳۶۹ - شماره ۳۶
۲۱. فضل الله همدانی، رشید الدین. (۱۳۳۸). جامع التواریخ جلد اول، تهران: دنیای کتاب
۲۲. فضل‌الله همدانی، رشیدالدین؛ شبانکاره‌ای، محمد بن علی. (۱۳۶۳) مجمع‌الانساب، ج ۱، ص ۹۶، ۱۸۱ - ۱۹۴. چاپ میرهاشم محدث، تهران؛ نقل از توراکینا خاتون، دانشنامه جهان اسلام
۲۳. فضلی نژاد، احمد؛ مهرجویی، فرشاد؛ (۱۳۹۴)، برسی روند اسلام پذیري خاندان جغتای در ماوراءالنهر، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، شماره ۴
۲۴. گلی زواره، غلامرضا. (۱۳۸۶) بازخوانی تاریخ عملکرد بانوان در امور کشورداری، مجله پیام زن
۲۵. مراد زاده، رضا، (۱۳۸۲) چگونگی نفوذ و گسترش اسلام در چین، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی
۲۶. مری‌هال، (۱۳۸۰) امپراتوری مغول، ترجمه نادر میر سعیدی، تهران: ققنوس.
۲۷. مفتاح، الهامه، (۱۳۸۵) زندگی و معیشت مغولان (ساختار اجتماعی)، فرهنگ زمستان ۱۳۸۵ - شماره ۶۰
۲۸. المنهاج سراج جوزجانی، قاضی ابو عمر عثمان بن محمد، طبقات ناصری «تاریخ ایران و اسلام»، کتابخانه دیجیتال تبیان
۲۹. موسوی، سید محمود (۱۳۷۰). توس شهر خفته در تاریخ. تهران. سازمان میراث فرهنگی کشور
۳۰. ناصری راد، مصطفی، (۱۳۷۹) تحولات جانشینی چنگیز نقش آن در مناسبات خارجی ایلخانان، تاریخ روابط خارجی، شماره ۴
۳۱. نوایی، عبدالحسین، (۱۳۶۴) ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران

منابع خارجی:

32. David Nicolle, Crusader Warfare Volume II: Muslims, Mongols and the Struggle against the Crusades (2007)
33. De Nicola, women in mongol Iran the Khatuns, Edinburgh university press, 2017
34. he Globalist (em inglês). 20 de junho de 2005. Consultado em 10 de agosto de 2020
35. He, Gaoji; Lu, Junling, eds. (2013). 域外集. Beijing: Zhonghua Book Company.
36. Henry H. Howorth, F.S.A. history of the mongols. (1888) Bort Franklin
37. In Pursuit of Islamic "Authenticity": Localizing Muslim Identity on China's Peripheries. Lesley Turnbull, New York University. Cross - Currents: East Asian History and Culture Review, E - Journal No. 12 (September 2014)
38. Journal of the north - china branch of the royal Asiatic society, new series No. x. 1876
39. Lane, George (June 29, 2011). "SAYYED AJALL". Encyclopædia Iranica. Encyclopædia Iranica. Retrieved 17 November 2012.
40. Lily Xiao Hong Lee, Sue Wiles: Biographical Dictionary of Chinese Women: Tang Through Ming, 618 - 1644. M.E. Sharpe, 2014

41. Man, John (2006). Kublai Khan: From Xanadu to Superpower. London: Bantam Books.
42. People of the Mongol Empire, General Books. 2013
43. Subani, Hamad, The secret history of Iran. Cabal Time, 2013
44. Tan Ta Sen (2009). Cheng Ho and Islam in Southeast Asia. Institute of Southeast Asian Studies. Singapore. Institute of Southeast Asian Studies.
45. Yang, Bin (2009). Between winds and clouds: the making of Yunnan (second century BCE to twentieth century CE). p. 157. Retrieved 2016.
46. 玉溪《使者》. CCTV.com (in Chinese). 编导: 韩玲 (Director: Han Ling) 摄像: 李斌 (Photography: Li Bin). 央视国际 (CCTV international). 2005 _ 02 _ 24. Retrieved 24 April 2014.

